برترین روزنامه‌ها

نافرجامی روحانی با برجام کلید خورد

احمد غلامی، سردبیر روزنامه شرق در بخشی از سرمقاله دیروز خود که به بررسی اداره کشور توسط دولت‌های ایران با بهره‌گیری از سیاست‌های بازارمحور اقتصاد و افکار عمومی اختصاص داشت، نوشت: رئیس دولت دهم درست تشخیص داده بود، در اقتصاد بازارمحور آن‌هم از نوع رانتی آن برای تصمیم‌های آینده‌اش باید ابزاری می‌داشت تا کسانی خارج از دولتش نتوانند محدودش کنند. شرایط برای دولت‌های نهم و دهم مهیا بود. نفت در بالاترین قیمت به فروش می‌رسید و افکار عمومی نیز با همه مخالفت‌هایی که وجود داشت، در چنته رئیس دولت بود اما رئیس این دولت با تمام تلاشی که کرد و حتی با استفاده از جریان‌های موجود در تکنولوژی‌های انضباطی و امنیتی نتوانست مهار این دوگانه را به دست بگیرد و عدم موفقیتش در این رقابت موجب بی‌اعتمادی و بیمناکی حامیانش شد. در دولت روحانی تکنولوژی امنیتی این‌بار به شیوه استراتژیک به کمک روحانی آمد تا او را بر اریکه قدرت بنشاند. روحانی که خود سابقه امنیتی داشت، می‌دانست دولت‌های نهم و دهم با شکست در تصاحب این تکنولوژی‌ها به بی‌اعتمادی بسیاری دامن زده‌اند.

اقبال دولت روحانی در این بود که شیوه‌های انضباطی آن زمان اثرگذاری خود را در جامعه تا حدودی از دست داده بودند و مخالفان او دیگر نمی‌توانستند فشارهایی از جنس و جنم دولت اصلاحات بر دولتش وارد کنند. روحانی بیش از هر چیز با محور قرار دادن تکنولوژی امنیتی درصدد بود اوضاع را در کنترل بگیرد، به این امید که مخالفانش در هر صورت ضدامنیت نخواهند بود. تا حدودی هم حسابش درست از آب درآمده بود و اگر برجام شکست نمی‌خورد، با سهولت می‌توانست اقتصاد و افکار عمومی را اداره کند و پس از اتمام دولت تدبیر و امید در برآمدن دولت بعدی اثرگذار باشد اما نافرجامی روحانی با شکست برجام کلید خورد. دولت روحانی که اکنون به انتهای راه نزدیک می‌شود، چیزی برای از دست دادن و به دست آوردن ندارد. اکنون مواجهه دولت دوازدهم با هر دو تکنولوژی انضباطی و امنیتی انفعالی است؛ این انفعال در سیاست داخلی عیان است. شاید فرصت باقی‌مانده برای دولت روحانی، انتخابات امریکا باشد و برخورد رئیس‌جمهور پیروز با دولت او.

نفرت از جنس امریکایی

حنیف غفاری در سرمقاله روزنامه رسالت نوشت: ابتلای ترامپ به ویروس کووید ۱۹، فضای انتخاباتی امریکا را تا حدود زیادی تحت تأثیر خود قرار داده است. این خبر در حالی اعلام شد که هنوز ترکش‌ها و تبعات برگزاری نخستین مناظره انتخاباتی میان دو نامزد دموکرات و جمهوری‌خواه، گریبان شهروندان امریکایی را رها نکرده است. مناظره انتخاباتی اخیر میان بایدن و ترامپ، از ابعاد مختلفی مورد توجه افکار عمومی امریکا و جهان قرار گرفته است. در حالی که امریکا به‌واسطه شیوع ویروس کرونا و تبعات اقتصادی و امنیتی ناشی از آن در وضعیتی سخت و شکننده به سر می‌برد، دو نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور در مقابل دیدگان صدها میلیون بیننده، یکدیگر را به فحش و ناسزا کشیده و به‌جای تبیین مؤلفه‌های «گذار از شرایط بحرانی امریکا»، نسخه خانواده‌ها و نزدیکان یکدیگر را پیچیدند!

نباید فراموش کرد مؤلفه «نفرت» در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ در امریکا به‌شدت پررنگ است. طرفداران بایدن و ترامپ، حضور چهار ساله هیچ‌یک از این دو در کاخ سفید را تحمل نمی‌کنند. فراتر از آن، با توجه به تشدید منازعات خیابانی در نقاط مختلف امریکا از حدود یک هفته قبل تاکنون میان ملی‌گرایان افراطی (طرفداران ترامپ) و رنگین‌پوستان و حتی سفیدپوستان طرفدار بایدن، احتمال بسط و گسترش این منازعات داخلی پس از برگزاری انتخابات ماه نوامبر (آبان ماه) به‌شدت افزایش یافته است.

بدون شک ابتلای ترامپ به ویروس کووید ۱۹، نه‌تنها از تب این منازعه نخواهد کاست، بلکه منجر به چینش قطعه‌ای بزرگ از پازل «امریکای بحران‌زده» خواهد شد. طی ماه‌های اخیر، قطعات این پازل به نحوی سریع در کنار چینش و تکمیل در کنار یکدیگر هستند. بدون شک «امریکای پس از انتخابات»، دیگر کشوری باثبات و آرام نخواهد بود، حتی اگر بایدن بتواند در رأس معادلات سیاسی و اجرایی واشنگتن قرار گیرد!

رسانه‌ها کجای جنگ اقتصادی ایستاده‌اند؟

محمد صرفی در سرمقاله روزنامه کیهان با اشاره به گروه‌های مختلفی که باید از مردم به دلیل مشکلات فعلی عذر بخواهند به گروه‌های مختلفی اشاره کرده اما در صدر همه آنها به رسانه پرداخته و نوشته است: رسانه‌هایی که با تاکتیک توأمان ارعاب و در باغ سبز نشان دادن به مردم، آنان را درباره علت و راه‌حل مشکلات کشور دچار اشتباه محاسباتی کردند، سومین گروهی هستند که باید عذرخواهی کنند. امروز کشور پیش و بیش از آنکه درگیر جنگ اقتصادی باشد، درگیر جنگ رسانه‌ای است. رسانه‌های داخلی کجای این جنگ ایستاده‌اند و چه نقشی ایفا می‌کنند؟

یک روز گفتند برای رفع تحریم‌ها امضای «جان کری» تضمین است و بعد اعتراف کردند برای قالب کردن برجام به افکار عمومی چاره‌ای جز بزک آن نداشته‌اند. حالا هم که تشت رسوایی وعده‌های آنچنانی و بوی نویی هواپیما و آن تضمین کذایی از بام افتاده، باز هم دست از تحریف و آدرس غلط دادن برنمی‌دارند و می‌نویسند مگر چه عیبی دارد ما هم مثل رئیس‌جمهور صربستان در برابر ترامپ تحقیر شویم، زانو بزنیم و دیکته بنویسیم، اصلاً این تحقیر باعث سرافرازی و تأمین منافع ملی است! از این جماعت باید پرسید این چه منافعی است که راه تحقق آن زانو زدن مقابل دشمن و تحقیر است؟!

از رسانه‌های فوق انتظار چندانی نمی‌رود و آنان نان همین راه و روش را می‌خورند و نمی‌توانند برخلاف ماهیت خود عمل کنند اما رسانه‌ای همچون رسانه ملی نیز در این ماجرا بی‌نقش نیست.

رسانه‌ای که باید پیشتاز روشنگری و نشان دادن آب از سراب می‌شد، خود نیز با وضع موجود همراه شده و در شیپور خوش‌خیالی دمید و به بهانه‌های مختلف معدود منتقدان را به حاشیه راند تا راه برای آنان که آدرس غلط به جامعه می‌دادند بیش از پیش باز شود. این همراهی اگر چه بسیار زیاد بود اما دولت و اصلاح‌طلبان هرگز از رسانه ملی راضی نشدند و همیشه طلبکارانه و با طعنه و توهین با آن برخورد کردند تا رسانه‌ای که باید پیشتاز روشنگری و مقابله با جنگ رسانه‌ای دشمن باشد، هم چوب را بخورد هم پیاز را!

گزارش
سعید همتی

انگشت اتهام به سمت غربی‌هاست یا هواخواهان داخلی غرب؟

باتلاق ناکارآمدی مدعیان اصلاح‌طلبی

پشت کردن به ظرفیت‌های داخلی و تکیه زدن به وعده‌های پوشالی کشورهای غربی وجه بارز مدیریت برآمده از اصلاحات طی هفت سال اخیر است، رویکردی که تجربیات سخت و پرهزینه‌ای برای جامعه ایرانی به همراه داشت و تصویری گویا از میزان و کیفیت دشمنی غرب با ایران به نمایش گذاشت، اما نمایش سطح و گستره دشمنی غرب با ایران برای افکار عمومی، جریان خوش‌بین به غرب را بر آن داشته است تا همانند چند سال اخیر باورهای خود را به زور عملیات روانی- رسانه‌ای به مردم قالب کند و با اهرم کردن مردم، فشار خود را به نظام برای تغییر رویکردهای انقلابی اجرایی کنند. آگاهی مردم از کیفیت دشمنی غربی‌ها به معنای بی‌اثر شدن بسیاری از بازی‌های تبلیغاتی- انتخاباتی جریان خوش‌بین به غرب در داخل کشور است که نهایتاً می‌تواند منجر به شکست‌های پیاپی انتخاباتی برای این طیف باشد.

مادامی که دشمن‌شناسی مطلوبی از توطئه‌ها و دسیسه‌های نظام سلطه وجود نداشته باشد، در آوردگاه‌های انتخاباتی می‌توان با شعارهای پرطمطراق که مبتنی بر «ضرورت عادی‌سازی روابط میان ایران و امریکا» و گشایش‌های خیالی ناشی از چنین شعارهایی، پیروز انتخابات شد، کمااینکه در انتخابات گذشته چنین اتفاقاتی عیناً روی داد.

توجیه ناکارآمدی جریان متبوع خود و تقصیرتراشی از دیگران به‌دلیل ناکارآمدی‌های موجود از کارکردهای ویژه‌ای است که در این بستر می‌تواند به‌وجود بیاید، به طوری که حل همه مشکلات داخلی مشروط به تعدیل مواضع انقلابی در عرصه روابط بین‌المللی شده است و مردم هیچ‌گاه پاسخ درخوری در رابطه با مشکلات و معضلاتی که با آن گریبانگیر هستند، از طرف مسئولان اجرایی و قانونگذاری کشور دریافت نمی‌کنند.

■ آدرس غلط با هدف فاصله‌گذاری مردم با اصل انقلاب

آدرس غلط مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند باورهای اشتباه برخی از مسئولان و مقامات متصل به یک جریان سیاسی را به باورهای جمعی بخش‌های مهمی از جامعه تبدیل کند، به این نحو که مقامات به جای پاسخگویی به حجم انبوهی از شعارهای بر زمین مانده و تحقق مطالبات دم‌دستی مردم، انگشت خود را به آدرس دادن به سمت غرب نشانه بگیرند و اینگونه القا کنند که برای فائق آمدن مشکلات داخلی باید به دامن غرب پناه برد؛ شبیه همان رویه‌ای که طی هفت سال اخیر بر کشور حکمفرما شده است.

طبیعی است مسئولانی که کماکان اصرار دارند به جای تلاش برای کاهش مشکلات داخلی عامل اصلی را غرب معرفی کنند، علاقه‌ای به کنترل گرانی، رکود تورم، بیکاری و مهم‌تر از آن ناامیدی و دلسردی مردم نسبت به آینده ندارند تا بستر شورش‌های اجتماعی – سیاسی به‌وجود بیاید.

■ تکیه‌گاهی که پرتگاه است

خروجی مسلم اتخاذ چنین رویکردی در عرصه حکومت‌داری و کشورداری آن است که مردم روزبه‌روز به آینده کشور ناامید شده و فاصله‌گذاری میان خود و ارزش‌ها و اولویت‌های انقلابی- اسلامی را یک اولویت تمام عیار برای پشت پا زدن به مشکلات داخلی می‌دانند و برای تغییر شرایط موجود تمایل نهفته‌ای به ایجاد دستکاری در عرصه اولویت‌های انقلابی- اسلامی خود به ویژه در سطح کلان دارند. به این معنا که عامل اصلی مشکلات کشور و جامعه را تبعیت از الگوهایی می‌دانند که شکم آنها را گرسنه گذاشته و اقتصاد و معیشت آنها را دچار مرگ تدریجی کرده است. مخدوش شدن معیارها و مؤلفه‌های انقلابی مهم‌ترین کارکرد آدرس غلطی است که مسئولان و مقامات کشور می‌توانند به جامعه در طی یا بازده زمانی مشخص مخابره کنند. در همین باره محمد صالح جوکار، نماینده یزد در مجلس در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به وضعیت حاکم بر اقتصاد کشور می‌گوید: «به دلیل کاهش ارزش پول ملی، امروز سرمایه‌گذاران با مشکلات جدی مواجه شده‌اند و همین کاهش ارزش پول ملی زمینه‌ساز عدم امنیت اقتصادی در کشور شده است. امروز تلاطم و بی‌ثباتی در بازار به حدی است که مردم برای فردای خود هم نمی‌توانند برنامه‌ریزی داشته باشند، چه رسد به آینده دورتر و این زندگی مردم را با مشکلات جدی مواجه کرده است.»

جوکار خاطر نشان کرد: «دولت به وظایفش در حوزه مسائل اقتصادی و معیشتی مردم عمل نمی‌کند و همین باعث شده تا مطالبات به سمت مجلس سرازیر شود و مردم از مجلس حل مشکلاتشان را بخواهند. ما در حوزه بازار ارز شاهد افزایش قیمت ارزهای خارجی و کاهش ارزش ریال هستیم که این مسئله نتیجه نبود نظارت و برنامه‌ریزی مناسب در این حوزه است.»

■ رهاشدگی‌ای که به پای غرب می‌گذارند!

بدیهی است که نظام سلطه طی سال‌های متمادی با اعمال تحریم‌های ضدانسانی خود تلاش کرده است تا مردم را از آینده کشور ناامید کرده و نهایتاً ایران را به یک کشور تابع تبدیل کند، اما نمی‌توان تحریم و فشارهای بین‌المللی را تنها عامل وضع موجود معرفی کرد؛ کمااینکه دولتمردان فعلی عامل اصلی گرانی و تورم سال‌های ۸۹ به بعد را که پس از وضع شش قطعنامه سازمان ملل صورت گرفت، عدم توانمندی مسئولان اجرایی در سامان دادن به اوضاع کشور معرفی می‌کردند و همان افراد امروز کاخ سفید را یگانه عامل مشکلات داخلی می‌دانند!»

محمدحسین فرهنگی، نماینده مردم تبریز در مجلس نیز با انتقاد از وضعیت حاکم بر بازار گفت: «بازار تقریباً به حال خود رها شده است و نظارت درستی از سوی دستگاه‌های دولتی بر بازار وجود ندارد. یکی از مواردی که بر قیمت‌ها بر بازار تأثیر دارد، بازار ارز است. این را می‌توان یکی از علل تلاطم در بازار دانست و دولت موضوع قیمت ارز را به حال خود رها کرده و کاری با آن ندارد.»

سخنگوی هیئت رئیسه مجلس اظهار داشت: «ما در مجلس ابزارهایی مثل سؤال از رئیس‌جمهور و استیضاح را داریم که قانوناً می‌توانیم از آن استفاده کنیم، اما عملاً این کار به خاطر مصالحی که وجود دارد و شرایطی که ما گرفتار آن هستیم، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. ولی متأسفانه استفاده نکردن از این ابزارها باعث شده که دولت هیچ پاسخگویی نداشته باشد و در نتیجه آنچه اتفاق می‌افتد، همین رهاشدگی بازار است که شاهد آن هستیم. این مسئله باعث شده تا یک حاشیه امنی برای دولت ایجاد شود و احساس می‌کند هیچ ضرورتی برای پاسخگویی‌اش وجود ندارد.»

فرهنگی خاطر نشان کرد: «همان صحبت‌های تندی که این دولت در مورد دولت‌های نهم و دهم داشت، امروز با ضریب چند برابری متوجه خودشان است. از زمانی که این دولت کار را در دست گرفته، افزایش قیمت ارز از ۱۰ برابر هم فراتر رفته است.»

وی افزود: «این وضعیت نشان می‌دهد که دولتی‌ها هیچ انگیزه‌ای برای برنامه‌ریزی به منظور بهبود وضعیت بازار ندارند و شاهد رها کردن بازار ارز از سوی دولت هستیم.»

■ تغییر اصول بنیادین برای جبران کم‌کاری

نزدیک به ۱۰ ماه به پایان دولت دوازدهم باقی مانده است و طی این مدت احتمالاً بنا بر همین منوال قرار می‌گیرد که کاخ سفید و سایرین عامل مشکلات داخلی هستند و مردم کمافی‌سابق باید عواقب رأی خود را در انتخابات سال‌های ۹۲ و ۹۶ پس بدهند و حق اعتراض هم ندارند! چنانچه اعتراض و گلایه‌ای نیز است باید رو به سوی کاخ سفید کنند و برای ایجاد دگرگونی در عرصه اقتصاد و معیشت، سیاست‌های چهل و چند ساله را دچار تحول نمایند!

مجلس

رحیمی جهان‌آبادی با اشاره به نحوه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا:

آرای الکترال دموکراسی را در امریکا زمینگیر کرده است

مثلث تجار، نظامیان و لابی‌ها اجازه اثرگذاری رأی مردم بر آینده سیاسی امریکا را نمی‌دهد. آرای الکترال یادگاری دوران اشرافیت بوده که رئیس‌جمهور را در حد پادشاه مطلق دیده است.

جلیل رحیمی جهان‌آبادی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در گفت‌وگو با خانه ملت، با اشاره به نحوه برگزاری انتخابات در ایالات متحده امریکا که به صورت الکترال است، گفت: از ابتدای ایجاد امریکا ناهمگونی در وزن ایالات مختلف به چشم می‌خورد. امریکا میراث‌دار تفکرات اشرافی بریتانیا بود، در سیستم سیاسی و انتخاباتی انگلیس نوعی وزن‌گذاری میان مناطق به چشم می‌خورد و قدرت در مجالس دوگانه عوام و اعیان تقسیم شده که همین شیوه به امریکا نیز رسیده است. برگزاری انتخابات امریکا به صورت الکترال نیز برگرفته از سیاست‌های انگلیس است تا میزان اثرگذاری ایالات مختلف، متفاوت باشد.

رحیمی جهان‌آبادی ادامه داد: همین امر باعث شده قدرت ریاست جمهوری امریکا همانند حکومت‌های سلطنتی باشد و از آنجایی که مردم در انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور تأثیر چندانی ندارند، قدرت رئیس‌جمهور به واسطه آرای الکترال در حد پادشاه، مطلق است.

این نماینده مردم در مجلس یازدهم در ادامه به انتخابات پیشین ایالات متحده و نتایج آن اشاره و بیان کرد: در انتخابات دوره قبل امریکا، هیلاری کلینتون به واسطه آرای مردمی اقبال بیشتری برای ریاست جمهوری داشت اما رأی الکترال‌ها باعث شد ترامپ به ریاست‌جمهوری برسد.

همچنین زمانی که بوش پسر نیز به ریاست‌جمهوری رسید به واسطه انتخابات الکترال‌ها بود چنانچه رأی ال گور به لحاظ مردمی بالاتر بود.

وی در ادامه با اشاره به این شیوه برگزاری غیردموکراتیک انتخابات که به یادگار مانده از دوره اشرافیت است، عنوان کرد: آرای الکترال در واقع دموکراسی را زمین‌گیر کرده است و رأی مردم را مد نظر قرار نمی‌دهد. البته آرای الکترال معمولاً به پشتوانه رأی ایالت نگاه می‌کند و اگر اکثریت آرای یک ایالت به سمتی برود الکترال هم آنجا می‌رود و اگر خلاف آن اتفاق بیفتد، وجهه ایالت خراب شده و الکترال غیروفادار خوانده می‌شود. رحیمی جهان‌آبادی در ادامه با اشاره به قشر تأثیرگذار بر آرای الکترال بیان داشت: منافع حزبی امریکا را مثلث تولیدکنندگان صنعتی و اقتصادی، نخبگان نظامی و امنیتی و لابی‌های قدرتمند صنفی همچون صهیونیست‌ها یا بازنشستگان نظامی تعیین می‌کنند.

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در پایان خاطرنشان کرد: در حال حاضر اگر کسی برخلاف نظر این مثلث تصمیم بگیرد و مردم فرد دیگری را انتخاب کنند، اضلاع مثلث فعال شده و مانع آن می‌شوند چراکه منافع میلیاردها دلاری آنها باعث هرگونه اقدامی خواهد شد.

دستگیری عوامل حادثه شهادت ۳ پاسدار

خبر

عوامل حادثه به شهادت رساندن سه مدافع وطن در سیستان و بلوچستان دستگیر شدند.

به گزارش راه دانا؛ قاسم حسن‌زاده، مسئول روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه جنوب شرق کشور در گفت‌وگو با خبرنگار عصرهامون افزود: عصر روز هشتم مهر دو دستگاه خودروی ناحیه مقاومت بسیج شهرستان نیکشهر که در مسیر اسپکه به نیکشهر در حال تردد بودند، مورد حمله یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ قرار گرفتند که در این حادثه سه نفر از پاسداران به شهادت رسیدند.

وی بیان کرد: در این راستا با پیگیری و انجام اقدامات ویژه اطلاعاتی و عملیاتی رزمندگان قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه موفق شدند عوامل اصلی حادثه که منجر به شهادت سه نفر از پاسداران و یک نفر مجروح شدند و دیگر عوامل مرتبط با این حادثه را دستگیر کنند.

قرارداد شرکت هفت تپه با مدیران فعلی فسخ می‌شود

از آنجا که عدم اهلیت متولیان فعلی مدیریت شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه محرز است، مقرر شد قرارداد شرکت هفته تپه با مدیران فعلی آن تا یک ماه و نیم دیگر فسخ شود.

به گزارش فارس، نشست بررسی مشکلات کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه با حضور علی نیکزاد، نایب رئیس مجلس، علی خضریان، نماینده تهران و سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، سیدنظام‌الدین موسوی، نماینده مردم تهران و عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس، سیدعلی موسوی، نماینده ملکان و عضو کمیسیون صنایع مجلس، رئیس سازمان خصوصی سازی، جمعی از کارگران هفت تپه و مسئولان مربوطه عصر روز چهارشنبه گذشته در مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در تشریح دستاوردهای این جلسه مشترک گفت: «تاکنون نزدیک به هشت جلسه با هدف پیگیری حق و حقوق کارگران هفت تپه برگزار کرده‌ایم، اما این جلسه چند مصوبه داشت.

نخست آنکه تا نیمه آبان حداقل ۳ هزار هکتار نیشکر کشت شود، چراکه اگر کشت صورت نگیرد، ادامه حیات کارخانه منتفی می‌شود، بنابراین خط قرمز مجلس در رابطه با فعالیت‌های شرکت هفت‌تپه انجام این ۳ هزار هکتار کشت است.

البته تبعات انجام نشدن این مهم با شخص آقای استاندار است، چراکه چندین جلسه در این خصوص قول داده‌اند.»

وی ادامه داد: «از آنجا که تاکنون حدود سه ماه حقوق کارگران عقب افتاده است، مقرر شد تا ۱۵ مهر حقوق و اضافه کاری تیر و مرداد پرداخت شود.

همچنین از آنجا که مطابق نظر مسئولان حاضر در جلسه اعم از نمایندگان سازمان دیوان محاسبات، سازمان خصوصی‌سازی، وزارت اقتصاد و وزارت اطلاعات متولیان فعلی اهلیت ادامه تصدی و مدیریت شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه را ندارند، مقرر شد تا یک ماه و نیم آینده قرارداد شرکت با آنها فسخ و مدیریت جدید جایگزین شود»

به گفته نایب رئیس مجلس شورای اسلامی به دنبال پیگیری‌های مجلس دفترچه بیمه تأمین اجتماعی کارگران تا آخر سال تمدید شده است.

گزیده خبر

عباس سلیمی نمین:

اصلاح‌طلبان دعوای کاذب راه می‌اندازند تا از پاسخگویی فرار کنند

بعضی از عناصر اصلاح‌طلب، می‌خواهند دعوای کاذب ایجاد شود؛ با این دعوا هم مسئولیت‌پذیری آنها در قبال دولت روحانی از بین می‌رود و هم نحوه مواجهه‌شان با مسائل تغییر خواهد کرد.

عباس سلیمی‌نمین مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به نوشته اخیر یک روزنامه اصلاح‌طلب به قلم عباس عبدی مبنی بر لزوم استعفای رئیس‌جمهور اظهار داشت: برخی نیروهای تندروی اصلاح طلب سعی می‌کنند فضای سیاسی را حاد کنند و در ارتباط با اهدافی که آنها دنبال می‌کنند اگر قدری تأمل و تفکر به وجود بیاید طبیعتاً آنها به اهداف مطلوب خود نمی‌رسند.

وی افزود: اینکه جناب عبدی چنین چیزی را مطرح می‌کند تحت تأثیر نیروهای تندرو است چون قطعاً عقلانیت حکم می‌کند که دولت آقای روحانی را تا پایان راهش بدرقه کنیم و این بهترین گزینه در مورد آقای روحانی است چون هر نوع اقدام خارج از چارچوب می‌تواند تبعات نامطلوبی به بار آورد و شرایط جامعه را حادتر از این چیزی که هست بکند.

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران با تأکید بر اینکه الان قطعاً شرایط اقتصادی جامعه سخت است و بی‌ثباتی و ایجاد مشکلاتی بیش از این در دولت به جای کمک و یاری به دولت در چنین شرایطی عاقلانه نیست و این را هر کسی که مقداری تعلق به مردم دارد، اذعان می‌کند، گفت: ما به‌رغم ایرادات جدی که به دولت وارد است و نواقصی که دارد باید کمک و تلاش کنیم که آن را در حرکت خود تقویت کنیم تا بتواند گام‌های بهتری را برای حل معضلات بردارد. اگر دولت را تحت فشار برای استعفا قرار دهیم طبیعتاً آن هم در مقام دفاع قرار می‌گیرد و یک دعوای کاذب ایجاد می‌شود.

وی با بیان اینکه این طور نیست که ما روحانی را به استعفا دعوت کنیم و ایشان هم بگوید بله؛ قبول دارم و ضعیف هستم و ناکارآمدم بلکه در مقام دفاع از خود برمی‌آید و دیگران را متهم می‌کند و این دعوایی کاذب ایجاد خواهد کرد، تصریح کرد: بعضی از عناصر اصلاح‌طلب هم این را می‌خواهند که دعوای کاذب ایجاد شود و در این دعوا هم مسئولیت‌پذیری آنها از بین می‌رود و زمینه پاسخگویی‌شان کمرنگ می‌شود و هم نحوه مواجهه با مسائل تغییر خواهد کرد.

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران افزود: در یک شرایط عادی که دولت نه تنها در کارهایش مشکل ایجاد نمی‌کنیم بلکه دو قوه دیگر به دولت یاری می‌رسانند واقعاً خود روحانی هم بارها تشکر کرده و گفته اینها با دولت همراهی می‌کنند، پس طبیعی است کسانی که دولت آقای روحانی را روی کار آورده‌اند، ناگزیر به پاسخگویی خواهند بود ولی اگر دعوای کاذب راه بیفتد این مسائل کاملاً درهم می‌آمیزد و گم می‌شود و این مطلوب کسانی است که برای رأی دادن به روحانی دعوت کرده‌اند. هیچ انگیزه دیگری نمی‌توان برای این بحث‌ها مطرح کرد چون ایجاد دعوای کاذب به نفع ما نیست.

سلیمی‌نمین خطاب به برخی اصولگرایان که با موج استعفای روحانی همراه می‌شوند، خاطرنشان کرد: حواسشان باشد که آب به آسیاب چه کسانی می‌ریزند. اینکه پشت صحنه بحث تقابل با دولت یا استیضاح دولت چه جریانی وجود دارد را بفهمند، کما اینکه در دوره قبلی هم این جریان پشتش برخی جریان‌سازی‌ها بود و برخی اصولگرایان بازی می‌خوردند و بعضی اصلاح‌طلبان زمینه این کار را فراهم می‌کردند و آن اصولگرایان در جریان میدان پیچیده اصلاح‌طلبان تندرو قرار می‌گرفتند و این درس خوبی برای برخی نیروهای اصولگرای کم‌تجربه و کم‌عمق به لحاظ سیاسی است.

■ دبیر کل یک حزب اصلاح‌طلب: به جای استعفا از روحانی بخواهیم درباره عملکردش توضیح دهد

دبیر کل حزب اصلاح‌طلب هدا به طرح استعفای حسن روحانی واکنش نشان داد و گفت ما باید به جای طرح استعفای حسن روحانی از او بخواهیم که درباره عملکردش در طول این هفت سال توضیح دهد.

احمد شریف دبیر کل حزب اصلاح‌طلب هدا به پیشنهاد عباس عبدی برای استعفای روحانی واکنش نشان داد. عبدی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب چندی پیش طی یادداشتی مجدداً پیشنهاد استعفای حسن روحانی را مطرح و تأکید کرد: «طی ۱۰ ماه گذشته هیچ مشکلی حل نشده که بر مشکلات هم اضافه شده است. در این ۱۰ ماه کدام چشم‌انداز تیره بود که تیره‌تر نشده است، بنابراین عاقلانه نیست که این وضع ادامه یابد.»

وی نوشته بود: «از این رو حالا که اصولگرایان غالب، قدرت و اراده استیضاح را ندارند، پیشنهاد می‌کنم که روحانی شخصاً دست به کار شود. کنار رفتن نه به معنای اعتراض، بلکه به معنای گشودن راه برای حل ماجرا.»

اما دبیر کل حزب اصلاح‌طلب هدا در گفت‌وگو با فارس در این‌باره گفت که آقای عبدی قبلاً هم چنین پیشنهادی داده بود و مجدداً چون مجلس عوض شده و همسو با دولت نیست این پیشنهاد را مطرح کرده است. چندماهی از پایان عمر دولت باقی نمانده است، بنابراین نیازی به استعفا نیست. از سوی دیگر دولت مجری انتخابات است و باید انتخابات ۱۴۰۰ را برگزار کند، بنابراین احساس می‌شود بی‌دولتی ممکن است در تصمیم‌گیری‌ها هرج و مرج ایجاد کند و این مطلوب نیست.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب تأکید کرد: ما باید به جای طرح استعفای حسن روحانی از او بخواهیم که درباره عملکردش در طول این هفت سال توضیح دهد و منتقدان نیز در یک فضای منصفانه به دولت نقد کنند.

■ اصلاحات هیچ‌گاه بدون هزینه صحنه مدیریتی را ترک نکرده است

جریان دوم خرداد هیچ‌گاه بدون هزینه برای نظام صحنه را ترک نکردند و با وجود ادعای مردم‌سالاری و دموکراسی همیشه با جوسازی‌های کاذب اجازه نمی‌دهند آرامش در کشور حاکم شود.

لطف‌الله فروزنده، سخنگوی جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در گفت‌وگو با راه دانا با اشاره به اینکه عقبه دولت آقای روحانی جریان دوم خرداد، اعتدال و اصلاح‌طلبان بودند، گفت: در هفت سال گذشته با وجود شعارهایی که داده شد و مذاکرات محور امور قرار گرفت، ناکارآمدی بخش‌های مختلف دولت برای مردم به نمایش درآمد.

وی با بیان اینکه مردم در این هفت سال به شدت تحت‌فشار اقتصادی قرار گرفتند، افزود: اولین واکنش مردم به عملکرد جریان حامی دولت رأی ندادن به اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس بود. برای جریان اصلاح‌طلب مسجل است که در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ جایگاهی بین مردم ندارد، از این رو دست به تخریب جریان اصولگرا و مجلس انقلابی زدند. فروزنده با بیان اینکه متأسفانه برخی از این آقایان که نامه می‌نویسند و مصاحبه می‌کنند، به دنبال کارآمدی نظام نیستند، خاطر نشان کرد: این آقایان با مردم صادقانه حرف نمی‌زنند و نمی‌گویند که در هفت سال گذشته شما به ما اعتماد کردید، ولی ما نتوانستیم مشکلات شما را حل کنیم.

سخنگوی جمعیت ایثارگران با اشاره به اینکه این هزینه‌تراشی همواره نتیجه مدیریت جریان دوم خرداد بوده است، گفت: در طول تاریخ انقلاب بارها دیدم جریان دوم خرداد هیچ‌گاه بدون هزینه برای نظام صحنه را ترک نکردند و با وجود آنکه ادعای مردم‌سالاری و دموکراسی دارند، همیشه با جوسازی‌های کاذب اجازه نمی‌دهند آرامش در کشور حاکم شود.